

# موسیقی

و

# شعر



پژوهشگر:

دکتر هاشم محمدی عضو هیئت علمی  
و استاد ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی ایران

## پیش گفتار

از آغاز پیدایش گیتی و آفرینش هستی، صداهای طبیعی، آواها و نغمه‌هایی ایجاد کردند که شاید بتوان آن را نوعی موسیقی نخستین به حساب آورد: پیچیدن باد در شاخ‌سارها، تماس آب با سنگ‌ریزه‌ها، زمزمه‌ی جویباران، چهچه‌ی مرغان، نغمه‌پردازی پرندگان، برخورد امواج کوه‌پیکر با صخره‌های بزرگ و آوای دلنشین آبشارها ... همه‌گی نوعی موسیقی بوده که ترنم آن گوش انسان‌های اولیه را نوازش می‌داده است و انسان، این اشرف مخلوقات، که به زیور دانایی و آگاهی آراسته شده است؛ احساسات و هیجانات درونی خود را از طریق این نغمه‌ها و صداهای طبیعی بیان می‌داشته و در واقع این نوع موسیقی نشان‌گر حالات روحی و احساسات درونی آنان بوده است. تا جایی‌که برای شناختن ماهیت اسرارآمیز موسیقی، آن را هدیه‌ای از جانب خدایان می‌شمردند و پس از آن هر ملتی برای موسیقی خود افسانه‌ها و قصه‌ها سرودند و سینه به سینه نقل کردند.

## تاریخچه‌ی موسیقی

یونانی‌ها معتقد بودند که الهه هرمس (Hermes) موسیقی را به آنان عطا کرده است و به شکرانه‌ی بخشیدن موسیقی وی را ستایش می‌کردند. آنان معتقد بودند که این الهه، روزی ضمن گردش در ساحل مدیترانه، رشته روده‌ای را که از برادرش آپولون (Apolon) دزدیده بود بر روی کاسه‌ی لاک‌پشتی استوار کرد و نخستین ساز؛ یعنی لیر (Lir) را به وجود آورد. در چین حدود ۴۵۰۰ سال پیش، پادشاه مقتدری به نام هائونگ تی (Haong-Ti) فرمان داد تا موسیقی را اختراع کنند. در ژاپن معتقد بودند که هرگاه الهه‌ی خورشید قهر کند (کسوف) و به پناهگاه خود برود؛ مردم با سرودن نغمه‌های متوالی و خواندن آواز و شعر او را وادار به بیرون آمدن می‌کنند و امروزه هم در ژاپن به هنگام وقوع کسوف مردم به خواندن آوازهای فوق‌العاده قدیمی متوسل می‌شوند. در ایران هم به هنگام خورشید گرفته‌گی مردم به بام می‌رفتند و بر طشت می‌کوبیدند و با خواندن آواز و سرود منتظر بیرون آمدن خورشید از پناهگاه خود بودند.

بنا به افسانه‌های ژرمنی در روز قیامت الهه‌ی موسیقی، موسیقی دانان و نوازنده‌گان و آوازخوانان را شفاعت خواهد کرد. حبشی‌ها هم معتقد بودند الهه‌ی موسیقی خواندن و نوشتن و نوازنده‌گی را به آنان هدیه کرده است. از آن جایی که انسان‌های نخستین موسیقی را هدیه‌ای الهی می‌پنداشتند، آن را وسیله‌ی نزدیک شدن به خدایان و نیروهای فراهستی قرار می‌دادند و با توسل به آن از طرفی چشم‌زخم و ارواح خبیثه و مرگ و بیماری را از خود طرد می‌کردند و از طرف دیگر برای جلب عطف و رحمت خدایان در هنگام نزول باران، باروری مزارع و کشت زارها، درو کردن محصول، باروری گاوها و گوسفندان به خواندن

سرود و دعا مشغول می‌شدند که بازمانده این رفتار هنوز در فرهنگ عامه‌ی بسیاری از مردم گیتی رواج دارد و آداب و رسوم کهن آن فراموش نگردیده است. امروزه در هنگام کارهای گروهی، آواز دسته‌جمعی از کارگران شنیده می‌شود که باعث نوعی تقویت روحی و پیشرفت کار و عدم خسته‌گی آن‌ها می‌گردد. آوای شالی‌کاران به هنگام کشت برنج، نغمه‌های زیبای دروگران به هنگام برداشت محصول، سرودهای زنان و کودکان و دختران در کارهای دسته‌جمعی، نواختن نی لیک چوپان و پیچیدن نوای دلنشین آن در کوه و دشت و صحرا، صدای زنگوله‌هایی که به گردن گوسفندان و بزغال‌ها آویزان است، لالایی دل‌نواز مادران برای کودکان خردسال و ... همه حکایت از پیوند ناگسستنی شعر و موسیقی در زندگی انسان دارد. مسافرانی که روزگاری از بیابان‌های خشک و بی‌آب و علف می‌گذشتند، با صدای گام‌های چهارپایان خود و با گوش دادن به حرکات موزون طبیعت، واژه‌گانی را بر زبان می‌راندند و با صداهای اطراف و ریتم آن هماهنگ می‌کردند که به مرور زمان ترانه‌ها و اشعاری پیدا شد که در طول راه و رنج طاقت‌فرسای سفر، انیس دل و مونس راه آنان بود. از همان زمان که انسان با شنیدن این نوع موسیقی از حالت عادی خارج و دست‌خوش احساسات می‌گردید، صدای خود را بلند می‌کرد و به اصوات کشش و دوامی می‌داد و از همان موقع فهمید که ترکیب بعضی از اصوات مطبوع و دلنشین و برخی دیگر تأثیری نامطلوب و حتی گوش‌خراش در ذهن و روح او ایجاد می‌کنند و بدین ترتیب بود که بشر دست‌نیاز به سوی موسیقی دراز کرد و از این وسیله‌ی سحرآمیز برای برآوردن حاجت خود استفاده کرد.

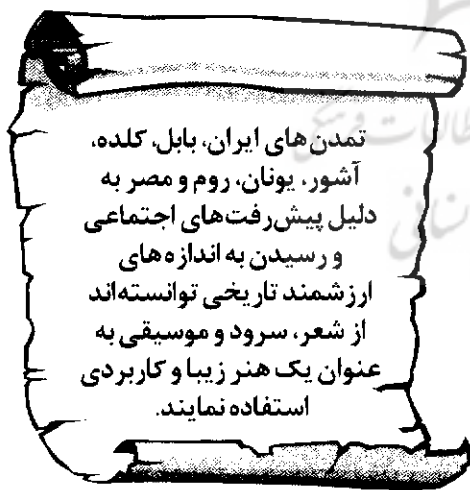
## تاریخچه‌ی موسیقی شرقی

**اولین بار** در کتاب مقدس "زبور" و "دانیال نبی" از انواع ساز و آوازه‌ها سخن به میان آمده است. کتاب "مزامیر" که به "زبور داوود" شهرت دارد، یکی از دل‌پذیرترین کتاب‌های مقدس است که مجموعه‌ای از شعر و سرود است که به زبانی شیوا، روحیات و روی‌داده‌های تاریخی قوم یهود را بیان می‌کند. بیش‌تر بخش‌های این کتاب در زمان داوود پادشاه و کمی بعد از آن نگارش یافته است. "زبور داوود" را قوم یهود پس از بازگشت از اسارت بابل و به هنگام بازسازی خانه‌ی خدا به عنوان کتاب سرود به کار می‌بردند. "مزامیر" روحیات مردم را در هنگام شادی و غم بیان می‌کند و موضوع اصلی آن پرستش (خدا) است. در آخرین فراز از دعا(های این کتاب) آمده است: "خداوند راستایش کنید. خداوند را در خانه‌ی مقدسش ستایش کنید، توانایی او را در آسمان‌ها ستایش کنید. او را به سبب کارهای بزرگش ستایش کنید. او را با نغمه‌ی "سرفنا" و "بربط" و "عود" ستایش کنید. او را با داف و رقص ستایش کنید. او را با سازهای زهی و نی ستایش کنید. او را با سنج‌های خوش‌صدا و قوی ستایش کنید. هر که جان در بدن دارد خداوند را ستایش کند. (فصل آخر مزامیر، دعای پرستش)

در زمان دانیال نبی به مردم دستور داده شده بود که با شنیدن نواهای موسیقی به خاک بیفتند و مردم از هر نژاد و قوم و زبانی که باشند در مقابل شنیدن موسیقی کرنش و تواضع نمایند. در میان مردم باستان، مصریان حدود ۱۲ تا ۱۴ وسیله‌ی مختلف

موسیقی را می‌شناختند. آشوریان طبق گزارش‌های موجود به ۸ یا ۹ ساز مهارت داشتند که نمونه‌هایی از سازهای آن‌ها به تازه‌گی در کاوش‌های دیرینه‌شناسی سرزمین بین‌النهرین کشف شده است از قبیل: چنگ‌زات‌الوتار که دارای ۱۶ تار بوده و قدمت آن به ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد. طبق اطلاعات ایران‌نامه، این چنگ سه‌گوش بوده و یک طرف آن پهن است.

در ایران باستان، به نقل از کتاب‌های مذهبی، موسیقی و سرود و آواز وجود داشته و بخش‌های منظم و منظوم اوستا را با آواز و سرود می‌خواندند. قدیم‌ترین شعر، سخنان زرتشت پیامبر است که در کتاب بزرگ و مقدس "اوستا" تا به امروز باقی مانده است. این اشعار به نام گات‌ها (گات‌ها) معروف است که در پهلوی "گاس" و در زبان فارسی "گاه" شد و به معنی آهنگ و سخن موزون به کار رفته و از مواردی که در معنی آهنگ و شعر استعمال شده، واژه‌های دوگانه، سه‌گانه، چهارگانه، پنج‌گانه می‌باشد که آهنگ‌هایی است از موسیقی و هنوز در نزد استادان این فن مورد استفاده می‌باشد. این لغت در زبان عربی هم داخل شده و به کلمه‌ی



تمدن‌های ایران، بابل، کلد، آشور، یونان، روم و مصر به دلیل پیشرفت‌های اجتماعی و رسیدن به اندازه‌های ارزشمند تاریخی توانسته‌اند از شعر، سرود و موسیقی به عنوان یک هنر زیبا و کاربردی استفاده نمایند.

۱. این وسیله‌ی موسیقی یکی از کهن‌ترین ابزار موسیقی شناخته و ساخته شده علمی به دست انسان است که در موزه بغداد نگاه‌داری می‌شد و به جهت پیشینه‌ی تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. این چنگ به عنوان کهن‌ترین دست‌آورد انسان یکی از ارزشمندترین آثار باستانی جهان بود که در حمله‌ی آمریکا به عراق و یورش دربان و قزاق‌چیان بین‌المللی آثار عتیقه‌به‌موزه‌بزرگ و بی‌مانند بغداد که آثار فراوانی را از دوره‌های تمدن کلدانیان، سومریان، آشوریان و بابلیان در خود جای داده بود روبرو شده و آسیب دید. برای آگاهی پیش‌تر نگاه کنید به "مجله فردوسی" شماره ششم، خرداد ۱۳۸۲

## عرب‌ها وقتی با شعر و سرود و موسیقی آشنا شدند از آن نه به عنوان یک علم و جاذبه‌ی روحی و روانی و برای التیام دردهای روحی، بلکه به عنوان لهو و لعب استفاده می‌کردند

خوانده می‌شده است. امروز نیز بعضی از این آهنگ‌های موسیقی، خاص دوبیتی است مثل: آواز دشتی که بیش‌تر در این‌گونه بیت‌ها خوانده می‌شود. گوشه‌ی "بختیاری" که بعد از بیداد در دستگاه "همایون" خوانده می‌شود و می‌توان از روی اشارات شعرای باستانی فهمید که این نمونه آهنگ‌ها در قالب دوبیتی ریخته شده و نام آن را به همین مناسبت فلهویات گذاشته‌اند که امروزه از لحاظ لطف طبیعی و شناخت عادات و حالات و تصورات و تعبیرات مردم و سایر ویژه‌گی‌های نهفته در آن برای علم "مردم‌شناسی" دارای کمال اهمیت است.

"فلهویات" بعد از اسلام هم در ایران رواج داشته و در آثاری هم چون: "تاریخ قم"، "تاریخ حسن بن اسفندیار" و در مقدمه‌ی کتاب مرزبان‌نامه اثر: "سعدالدین وراوینی" به این موضوع اشاره شده است.

در دوران هخامنشی مدرکی که مؤید رواج موسیقی در آن عصر باشد، وجود ندارد، اما طبق نوشته‌های یونانیان، پادشاهان و سلاطین عصر هخامنشی، هنگام میل به غذا به نظاره خنیاگری و رقص‌های جمعی می‌پرداختند. در آثار به جای مانده از سنگ نبشته‌ها و لوحه‌های گلی و کتیبه‌ها نیز از وسایل موسیقی نشانه‌هایی وجود دارد.

در دوره اشکانیان، رقص و آواز توأم با هم‌نوازی نی و تنبور در بین گروه‌های مختلف مردم معمول بوده است.

در عهد ساسانی، موسیقی موردنظر دربار قرار می‌گیرد و توجه ویژه‌ای به آن می‌گردد و کم‌کم این نوع موسیقی به همراه شعر و آواز تکامل پیدا می‌کند و هنرمندان معروفی چون: "باربد"، "تکیسا"، "بامشاد"، "سرکش" و "رامتین" شهرت فراوانی پیدا می‌کنند. کریستن سن مستشرق دانمارکی می‌نویسد: معروف‌ترین رامشگران و ترانه‌پردازان دربار خسرو پرویز، "سرکش و باربد" بوده‌اند. در آن دوره، رامشگران در پس‌پرده قرار می‌گرفتند و به اشاره "خرم‌باش" پرده‌دار جایگاه به هنرنمایی می‌پرداختند. به استناد

مقام ترجمه شده است و مقام در اصطلاح به معنی پایه‌ی موسیقی است.

در دوره‌های نخستین، موسیقی ویژه کاهنان، جادوگران و طبیبان بود و بسیاری از ترانه‌ها و نواختن بعضی از سازها توسط این افراد اجرا می‌شد. کشیشان هم کوشیدند با انحصار موسیقی به خود مقامی به دست آورند و در هنگام عبادت در کلیساها با صدای دل‌نواز موسیقی، دست‌خوش جذب و شور و هیجان می‌گردیدند.<sup>۲</sup>

از شعرهایی که به همراه موسیقی خوانده می‌شد و از ترانه‌ها و تصنیف‌ها و شعرهای هجایی قبل از اسلام، متأسفانه چیزی باقی نمانده و در کتاب‌های باقی‌مانده فقط اشاره‌هایی به "سرودهای خسروانی"، "چامه‌ها"، "فلهویات" و "اورامنان" گردیده که ویژه مجالس بزرگان و علما و موبدان بوده و آنچه باقی‌مانده از نظر تقسیم‌بندی به شرح زیر می‌باشد:

۱- سرود ۲- چامه ۳- ترانگ (ترانه) ۴- ضرب‌المثل‌ها و حکمیات

۱- سرودها: معمولاً قصایدی در آفرینش و ستایش یزدان و هم‌چنین پادشاهان و بزرگان بوده که در مراکز عبادت و آتش‌کده‌ها به روش مخصوصی با آهنگ خوانده می‌شده که از میان آن‌ها "سرود خسروانی" معروف بوده است.

۲- چامه‌ها: شرح روایات و داستان‌های کوتاه بوده که درباره اعمال پهلوانی و شکار و مجالس رزم و بزم سروده می‌شده که باز هم به همراه موسیقی مخصوص خوانده می‌شده است.

۳- ترانگ (ترانه): که به اسامی: "ترنگ"، "ترنگه"، "رنگ"، هم آمده، متعلق به عموم بوده و از دو تا چند بیت تجاوز نمی‌کرده و در واقع شبیه به تصنیف‌های قدیم بوده و پژوهش‌گران می‌گویند، این نوع از شعر با موسیقی خاص به اعراب آموخته شد و پایه‌ی شعرهای ساده قدیم عربی قرار گرفت. این نوع شعر، امروزه در فرهنگ عامه ما رواج دارد و اشعار و دوبیتی‌هایی که در مجالس بزم و جشن و سوگواری و دیگر مراسم و عیده‌ها خوانده می‌شود از این قبیل است.

۴- ضرب‌المثل‌ها و حکمیات: از نظر معنی و مفهوم مشخص و هنوز هم از میان نرفته و جای‌گاه ویژه خود را دارد.

### "فلهویات"

از شعرهای معروفی که همراه موسیقی از قدیم تاکنون جاذبه داشته و در واقع نوعی از ترانگ (ترانه) بوده، "فلهویات" نام دارد که ریشه‌ی دوبیتی و ترانه‌های امروزی است: "بیت پهلوی"، "گلبانگ پهلوی"، "سماح پهلوی"، "سخن‌گفتن پهلوی"، همه مربوط به نوعی از آهنگ خاص بوده که در قالب ترانه و دوبیتی

۲- موسیقی کلیسایی که "ارگ" و "صدای ناقوس" یکی از مشهورترین آن است زمینه‌ساز بسیاری از آهنگ‌های مذهبی و اجتماعی بوده است. (فردوسی)



برای هر روز از سی روز ماه لحنی پدید آورد که به نام "سی لحن"<sup>۳</sup> بارید معروف بود. گذشته از این برای ۳۶۰ روز اوستایی ۳۶۰ لحن ساخته بود که برخی از آن‌ها در کتاب‌های موسیقی و آثار ادبی بعد از اسلام نیز به چشم می‌خورد همانند: **نوروزی، خسروانی، سبز در سبزه، مشک دانه، مروارید، ماخور (ماهور)، شب‌دین، اورایی** و ...

**کریستن سن** می‌گوید: چندین نوا از نواهای آن دوره در مدح پادشاه و در موضوع گنج‌ها و ثروت‌های وی بوده و چندین نوا دیگر در مدح پهلوانان قدیم و ستایش طبیعت بوده و از مهم‌ترین آلات موسیقی آن زمان چنگ (رباب، هارپ)، نای (نی)، بربط (عود-تار)، تنبور، کمانچه و امثال آن‌ها را نام برده است.

به هر حال در دوره ساسانی شعر به همراه موسیقی تکامل پیدا می‌کند و به وزن عروضی که خود نوعی از موسیقی است نزدیک‌تر می‌شود. تا این‌که در سال‌های پایانی عهد ساسانی به حد کمال شعر عروضی می‌رسد. ضمن این‌که شعرهای هجایی محلی به لهجه‌های گوناگون و ترانه‌ها و دوبیتی‌ها رواج داشته است.

بسیاری از پژوهش‌گران معتقدند که در ایران همه جا شعر به همراه موسیقی رواج داشته و عرب‌ها هم در این قبیل اشعار یا مقلد ایرانی‌ها بوده‌اند و یا با ایرانیان

منابع تاریخی، بهرام گور بیش از دیگر سلاطین عهد ساسانی به رامشگران توجه داشته است. در شاهنامه‌ی فردوسی آمده که چندین هزار نفر از این رامشگران به نام کولی (لوری) برای شادی و خوشحالی مردم از هند به ایران آورده شدند.

به نزدیک شنگل فرستاد کس چنین گفت کای شاه فریادرس از این لوریان برگزین ده هزار نر و ماده بر زخم بریط سوار که استاد بر زخم دستان بود وز آوازشان رامش جان بود

**این لوریان** از نژاد آریایی بودند که حدود هفت هزار سال قبل از ساحل رود جیحون وارد کشور هند و سایر نقاط دیگر این سرزمین شده بودند<sup>۲</sup> و در زمان بهرام گور به ایران کوچانده شدند و همراه با نواختن موسیقی و دف و دایره به خنیاگری و آوازخوانی می‌پرداختند که بازمانده‌های آنان هنوز هم وجود دارند و به این شغل سرگرمند.

در کتاب "انجمن آرای ناصری" مرحوم "رضاقلی خان هدایت" هم آمده که: شاپور ذوالاکتاف هنگام ساختن سد شاپور و سد شادروان در اهواز، چندین هزار نفر از این رامشگران را از کابل احضار کرد و به شوشتر برد. مردان آنان را به عملگی و زنانشان را به مطربی و نوازنده‌گی و ساقی‌گری وادار کرد که عده‌ای از این کولی‌های ایران، پس از فتح هند در زمان امیر تیمور گورگان به این کشور کوچ کردند.

در ایران عهد ساسانی، اطلاعات زیادتری درباره پیوند موسیقی و شعر وجود دارد. گذشته از اشعار مانی که آن هم به شیوه و سبک زرتشت است، اشعاری در کتیبه‌های این دوره مانند: "کتیبه‌ی حاجی آباد" و در بعضی از رساله‌های ادبی پهلوی مانند: "یادگار زیران" و "درخت آسوریک" دیده می‌شود و سرودها و ترانه‌هایی هم بر سر زبان‌ها بوده که به همراه دست‌افشانی و پای‌کوبی و رقص در حضور دیگران انجام می‌گرفته است که از مهم‌ترین آنان می‌توان: **سرود آتشکده کرکوی، چامه‌ی شاه بهرام، شعر مردم خراسان در هجو اسدبن عبدالله که ورد زبان کودکان بوده و دیگر فلهویات** را می‌توان نام برد. هم چنین در زمان خسرو پرویز، **بارید** برای هر روز از هفته‌نواپی و

ساده و بی‌آهنگ نمی‌خواندند و در هر موقع چه رسمی و چه غیررسمی شعرها را با همان آهنگی که مخصوص آن ساخته بودند، می‌خواندند و حتی شاعری که خود آواز خوش و لحن دلکش نداشته است، ناچار بوده است از برای خود خواننده‌ای انتخاب کند که آن خواننده را "راوی" یا "راویه" می‌گفتند.

در **زمانه‌ی ما جمعی** بر این اعتقادند که پیش از اسلام و در میان اقوام بدوی عرب موسیقی وجود نداشته و در قرن اول اسلام آن را از بنایان ایرانی فراگرفته‌اند که مشغول ترمیم کعبه بوده‌اند که به علت جنگ حجاج با عبدالله بن زبیر تخریب شده بود.

یکی از این پژوهش‌گران "مرگلیوت" انگلیسی است که در این مورد گزارشی، مهم و مشروح در مجله‌ی "انجمن آسیایی" در لندن منتشر ساخته است و می‌گوید: قبل از اسلام شعر و شاعری به معنایی که بعد مفهوم می‌شد وجود نداشته و شاعرانی که در قرآن از آن‌ها نام برده شده است، فال‌گیرانی بوده‌اند که از ضمیر و خاطر اشخاص خبر می‌داده‌اند و گمان می‌شده است که "جن" آن‌ها را از اسرار باخیر می‌کرده است.

درست این است که شاعری بعد از اسلام به واسطه‌ی یادگرفتن موسیقی و نغمه‌ها و تصنیف‌های محلی ایران در میان اعراب پیدا شد و شگفت این‌که این پژوهش‌گر مدعی است که اشعار منسوب به دوره جاهلیت عرب‌ها همه از معجولات قرن اول اسلام است که روایات (راویان) معروف از

هم اکنون در عقب افتاده‌ترین و خرافاتی‌ترین قبایل آفریقایی در مراسم تولد، مرگ، غم، شادی، و حنا اعتراض‌های خیابانی و اعتصاب‌های سیاسی موسیقی و رقص جای‌گاه ویژه‌ای دارد.

شرکت داشته‌اند. زیرا تأثیری که شعر در آمیختن با موسیقی (در روح و روان آدمی) ایجاد می‌کند، قدرت دو چندان‌ی را در فکر و اندیشه و آموزش وی به وجود می‌آورد. این دو صنعت (موسیقی - شعر) هر قدر با یک‌دیگر همراه باشند و به هم نزدیک گردند، از جهت ارزش و کمال مقدم‌تر و برترند. اسناد زیادی در دست است؛ که در هزار سال پیش شعر عربی یا فارسی را مانند امروز

۲. جای تأمل دارد. درباره‌ی خاستگاه نژاد آریا نگاه کنید به ۵۰۰۰ سال تاریخ تمدن ایران چاپ شده در شماره‌های مختلف مجله فردوسی  
۳. سی سرود یا سی ترانه (مجله فردوسی)

فردوسی سال سوم مرداد و شهریور ۱۳۰۲

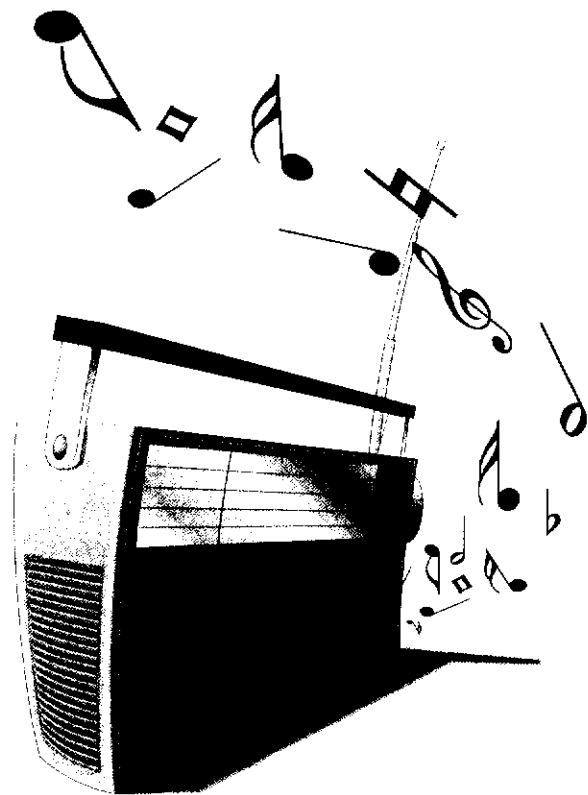


خودساخته و پرداخته و اشخاص خیالی را با اشعار جعلی به مردم معرفی کرده‌اند و این مهم‌ترین وسیله‌ی ارتزاق آنان بوده است. از اشعاری که از نخستین شاعران پارسی‌زبان در قرن‌های نخستین هجری باقی مانده، چنین دریافت می‌شود که شاعران همه در فن موسیقی صاحب نظر بوده‌اند. ابتدا موسیقی را فرا گرفته و بعد شعرهای موزون خود را با ریتم و آهنگ آن هماهنگ می‌کرده‌اند و به عرب‌ها هم یاد می‌داده‌اند. اسیران ایرانی در مکه و مدینه موسیقی و شعر را با هم اجرا می‌کردند. عرب‌ها از آنان تقلید می‌کردند. حارث بن کلدّه که روزگاری در دربار انوشیروان بریط را آموخته بود، پس از برگشت به سرزمین‌های عربی (مکه) آن را نشر داد.

به واسطه‌ی حاکمیت و سلطه‌ی عرب‌ها بر ایرانیان، (از آن جایی که عرب‌ها عاری از این هنر بودند) دیگر پادشاه یا پیشوایی نبود که در دربار وی سرود یا داستان خوانده شود و موسیقی به اجرا درآید. پس از مدتی این نمونه اشعار به همراه موسیقی از رونق افتاد و باز این فرهنگ آریایی بود که آن را یک بار دیگر زنده کرد تا جایی که امروز در اقیانوس بی‌کران ادب پارسی نام‌آورانی در عرصه‌ی موسیقی و شعر و هنر و ادب و سایر علوم وجود دارند که هیچ‌گاه نامشان از خاطر تاریخ زدوده نخواهد شد.

از قراین تاریخی چنین بر می‌آید که نخستین تحریم‌های موسیقی در جهان اسلام، ابتدا در همان جهان عرب صورت گرفته است. بر خلاف امور جاری در بین ملت‌های متمدن، موسیقی در بین عرب‌های صدر اسلام جنبه‌ی کاملاً لهوی و شهوی داشته و از این حیث با تمدن‌های پیشرفته‌ای مانند ایران زرتشتی و روم مسیحی متفاوت بوده است، زیرا در این دو تمدن پیش‌رفته با توجه به استفاده‌های درباری از موسیقی، مذهب رسمی و الهی بسیار نافذ بوده و نواهای موسیقی به صورت یکی

در هیچ‌یک از اسطوره‌های به جای مانده از تاریخ و فرهنگ گیتی که بازگشتی چندین هزار ساله به ژرفای تاریخ است، از شعر، آواز و موسیقی به بدی یاد نشده است



زمانی آغاز شد که اسیران بسیاری از روم و به ویژه ایران به عربستان آورده شدند. امروزه در دنیای تحقیق و پژوهش از کلیت موسیقی در جهان اسلام به نام موسیقی عربی یاد می‌شود. حتی پروفیسور "هنری جرج فارمر" کتاب خود را به نام تاریخ موسیقی عربی نامیده است، در حالی که خود اعتراف می‌کند که عرب‌ها در تکامل هنر موسیقی‌شان از ایرانیان تأثیر بسیار زیادی گرفته‌اند.

پس از وفات پیامبر و در سده‌های نخستین هجرت و تا زمانی که عباسیان زمام امور را در دست گرفتند تاریخ ایران (دوره سکوت) را می‌گذرانید و طبعاً به خاطر هرج و مرج و آشوب‌های درونی اطلاع دقیقی از موسیقی آن ایام در دست نیست. تا آنجا که می‌دانیم در زمان خلفای راشدین، شخصی ملقب به "طویس" (۹۲ هجری) با فراگیری آهنگ‌های ایرانی از اسیران ایرانی، در ردیف نخستین خواننده‌گان حرفه‌ای دوران اسلامی در آمد. ابوالفرج اصفهانی در کتاب معروف موسیقی خود به نام "الآغانی" می‌نویسد: وی (طویس) همواره دف یا دایره چهارگوشی در زیر ردای خود همراه داشت. گویند این مسجح اولین آموزشگاه موسیقی را در مدینه برقرار ساخت، اما متعصبین وی را متهم به منحرف ساختن مسلمانان نمودند، بنابراین به دمشق رفت و به دربار خلیفه معرفی شد. خلیفه را آواز او خوش آمد و به او انعام فراوانی داد.

در دوره عباسیان گسترش فرهنگ و هنر ایرانی جلوه‌ای دیگر یافت و موسیقی به بلوغ خود رسید. به قول ابوالفرج اصفهانی در خانه‌های بغداد و کناره‌های رود دجله شب هنگامان از هر طرف صدای ساز و آواز بلند بود. مشهورترین هنرمندان را در این دوره در خاندان موصلی می‌توان یافت. بیش‌تر پادشاهان سلسله‌های طاهریان و صفاریان و سامانیان و آل بویه از طرف داران شعر، هنر و موسیقی بودند و در این دوران موسیقی‌دانان زبردستی ظهور کردند. "محمد بن زکریای رازی"، عودنوازی ماهر و "رودکی" پدر شعر فارسی شاعر نابینای چنگ‌نواز عهد سامانی،

از ارکان بسیار مهم و سازنده در معبدها و کلیساها و در سرودهای زرتشتی و ترتیل‌های صدر مسیحیت به کار می‌رفته است. ولی در زندگی عرب‌های دوره جاهلیت که آیین‌شان مبتنی بر بت‌پرستی بود و اوقاتشان به جنگاوری و تجارت و عیش و نوش می‌گذشت، موسیقی هیچ کاربرد دیگری جز جنبه‌ی لهو و لعب و سرگرمی نمی‌توانست برای آنان داشته باشد و به زودی به صورت یکی از لوازم طرب در آمد. از طرف دیگر بسیاری از پژوهش‌گران اصولاً وجود هنر موسیقی نزد عرب‌های جاهلی را انکار می‌کنند.

محققان برجسته‌ای که گاه ایرانی، گاه اروپایی و برخی هم عرب هستند معتقدند که موسیقی نزد عرب‌های دوران جاهلی عبارت بوده است از دو قسم آواز به نام‌های "هدی" و "ارجوزه" که برای راندن شتران به کار می‌رفته است. هنر موسیقی نزد عرب‌ها از

در این دوره بودند. تأثیر موسیقی گاه چنان بوده است که با شعر و آوازی دلنشین، پادشاه سامانی (امیر نصر بن احمد) بی‌موزه پای در رکاب می‌نهد و رو به سوی وطن می‌گذارد و این اوج تأثیر شعر و موسیقی و تلفیق زیبای آن دو هنر را می‌رساند. از مؤلفان موسیقی دوره سامانی، خوارزمی است که کتاب مفاتیح العلوم را به زبان عربی نوشت و قسمتی از آن را اختصاص به موسیقی داد. هم‌چنین معلم ثانی، ابونصر فارابی هنرمندی بی‌بدیل و موسیقی‌شناسی بزرگ بود که کتاب معروف او در زمینه‌ی موسیقی (الموسیقی الکبیر) نام دارد. فارابی از سازهای گوناگون صحبت کرده و نغمه‌ها و آهنگ‌های مختلفی را توضیح داده است. از موسیقی دوران غزنوی اطلاع چندانی در دست نیست، اما شاهان این عهد، به خصوص سلطان محمود غزنوی از جمله علاقه‌مندان و مروجین موسیقی بوده‌اند و فرخی سیستانی شاعر این دوره، در اشعار خود از چنگ به عنوان ساز متداول آن زمان نام برده است.

سلجوقیان نیز از دوست داران هنر شعر و موسیقی بودند. آلب ارسلان را مخترع نوعی شیپور فلزی دانسته‌اند. در دوره "خوارزم‌شاهیان" کوشش‌هایی برای نوشتن موسیقی به وسیله‌ی خط به عمل آمد. اگر چه به واسطه‌ی حمله‌ی مغولان به ایران دستگاه حکومتی خوارزم‌شاهیان از هم پاشیده شد و کشور دچار نابه‌سامانی گردید، اما هنر موسیقی شکوفایی خاصی یافت. خنیاگران بسیاری در دربار مغولان می‌زیستند و مؤلفین بسیاری همانند "صفی‌الدین ارموی" درباره موسیقی تصنیف‌هایی فراهم آوردند. شاعر و عارف بزرگ این عهد مولانا جلال‌الدین بلخی رومی سعی بر این داشت که موسیقی را آن‌گونه که شایسته است به مردم بشناساند. در دوره تیموریان با وجود تمام کشتارهایی که در ابتدای آن و به‌ویژه در زمان تیمور به وقوع پیوست، هنر به بالاترین درجه‌ی خود رسید و در نقاشی‌های این دوره می‌توان سازهای "عود"، "چنگ"، "تنبور"، "قانون"، "کمانچه"، "نی"، "سرنا"، "شیپور"، "کوس" و "سنج" را آشکارا مشاهده کرد.

پس از تیموریان رفته‌رفته پژوهش‌های نظری و تحولات چشم‌گیر در هنر موسیقی رو به افول نهاد. این عدم پیشرفت در عهد صفوی شاید بیش‌تر به سبب موج مذهب‌گرایی متعصبانه و توجه به هنرهایی مانند: نقاشی، خوش‌نویسی، قلم‌زنی، کاشی‌کاری و دیگر هنرهایی که توسط آن‌ها به تزیین آثار اسلامی پرداخته می‌شد، مربوط باشد. به همین دلیل موسیقی در بیش‌تر موارد برای تفنن و سرگرمی بود. از موسیقی پس از دوران صفویه یعنی: "افشاریه و زندیه" اطلاع چندانی در دست نیست؛ به جز اشاره اندکی که جهان‌گردان ذکر کرده‌اند. در دوره قاجاری موسیقی دانان را "عمله‌ی طرب" می‌نامیدند و از آنان در بزم‌ها و حتی در سر سفره‌های غذا و میهمانی‌ها استفاده می‌کردند. در شهرها نوازندگان را لوطی صدا می‌زدند و این افراد بیش‌تر از اشخاص دوره‌گرد و بی‌سروپا بودند. در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه دسته‌های مختلفی به اجرای موسیقی در دربار می‌پرداختند. آنان در هنگام صرف نهار، گاهی به هنگام میهمانی‌ها و بالاخره در موقع خواب برای پادشاه انجام وظیفه می‌کردند که از جمله‌ی این نوازندگان می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: "آقا غلام‌حسین" و "میرزا عبدالله" نوازنده‌گان تار، "مطلب خان"، "جوادخان قزوینی" و "خوش‌نوازان" نوازنده‌گان کمانچه، محمد صادق خان و میرزا حبیب سماع نوازنده‌گان سنتور.

پایان

### منابع و ماخذ

۱. تاریخ موسیقی خاور زمین، هنری جرج فارمر، ترجمه‌ی بهزادباشی، تهران، آگاه، ۱۳۶۶.
۲. موسیقی از نظر اسلام، تقی بینش، رهپویه هنر (دفتر چهارم)، ۱۳۷۵.
۳. مفاتیح العلوم، خوارزمی، چاپ مصر.
۴. جامع‌الالحن، عبدالقادر مراغه‌ای، تقی بینش، تهران، ۱۳۶۶.
۵. پیوند موسیقی و شعر، حسین علی ملاح، تهران، نشر فضا، ۱۳۶۷.
۶. هشت گفتار پیرامون حقیقت موسیقی غنایی، اکبر ایرانی قمی، حوزه هنری، ۱۳۷۰.
۷. الاغانی، ابوالفرج اصفهانی، چاپ بیروت، ۱۹۶۳.
۸. برگزیده الاغانی، ابوالفرج اصفهانی، محمد حسین مشایخ فریدونی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
۹. حافظ و موسیقی، حسین علی ملاح، تهران، رزارت فرهنگ و هنر ایران، ۱۳۵۱.
۱۰. موسیقی دانان ایرانی، پژمان اکبرزاده، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۸۰.
۱۱. نام‌نامه‌ی موسیقی ایران زمین، مهدی ستایش‌گر، ۲ جلد، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۶.
۱۲. فرهنگ‌نامه‌ی موسیقی ایران، نصرت‌الله حدادی، انتشارات توتیا، تهران، ۱۳۷۶.

